

گفت گو با

# استاد عثمان کریم‌اف، نسخه‌پژوه تاجیک

اشاره

یکی از استادانی که در «کارگاه تخصصی فهرست‌نویسی نسخ خطی» کتابخانه ملی دربارهٔ مباحث مربوط به نسخ خطی و اختصاصاً راجع به فهرست‌نویسی تذکره‌ها و دیوان‌ها سخن گفت، پروفسور عثمان کریم‌اف از استادان نسخه‌پژوه تاجیکستان بود. در گفت‌وگویی که با ایشان انجام دادیم، به سوابق علمی ایشان و نیز وضعیت نسخ خطی در تاجیکستان پرداخته‌ایم که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

\*\*\*

در خدمت استاد عثمان کریم‌اف از محققان و پژوهشگران تاجیکستان هستیم و فرصت را مغتنم دانستیم تا گفت‌وگویی در زمینه نسخه‌های خطی

داشته باشیم. استاد اگر ممکن است در مورد حوزهٔ مطالعات تخصصی خود توضیحاتی بفرماید.

کریم‌اف: بنده زمانی که تحصیلات خود را در دانشگاه به پایان رساندم، در شعبهٔ شرق‌شناسی تاجیکستان مشغول به کار شدم. من کار خود را از دسامبر سال ۱۹۶۰ آغاز کردم و تا سال ۱۹۷۲ در این مؤسسه یعنی پژوهشگاه خاورشناسی مشغول به کار بودم. بعد از مدتی از من خواستند که در بخش ادبیات به فعالیت بپردازم. از همان زمان، من به کار و تحقیق در زمینهٔ نسخه‌های خطی پرداختم و تقریباً به مدت ۲۰ سال بر روی نسخه‌های خطی سدهٔ هجدهم و نوزدهم میلادی کار کردم. حدود ۸۰ تا ۹۰ دیوان را مطالعه کردم و ملاحظات خود را در مورد آن دیوان‌ها یادداشت‌ها کردم. شماری از این دیوان‌ها، دیوان‌هایی بود که بین سده‌های ۱۷ تا ۱۸ م. تألیف شده بود و علت این امر شاید تألیف نشدن تذکره بین این دو قرن باشد. اوضاع سیاسی و اقتصادی این دوران سبب شده بود که از تذکره‌نویسی پرهیز شود. یکی از سبب‌های عینی این مسأله این بود

که ماوراءالنهر بر سر جادهٔ ابریشم قرار گرفته بود. خصوصاً از قرن نهم و دهم میلادی که دولت سامانیان تأسیس شد، با چاره‌بینی‌های حکومت سامانیان ترک‌هایی که از آسیای میانه می‌آمدند و هر سال شهرهای مرکزی را تاراج می‌کردند، با تشبث اسم‌های اصفهانی وظیفه دریافت می‌کردند و نتیجه این شد که ترکان، کاروان‌های ابریشم را از ماوراءالنهر تا سرحد چین غارت می‌کردند. همین ترکان پس از اینکه جادهٔ ابریشم برچیده شد، بیکار ماندند و به همین دلیل هر سال شهرهای بزرگ از جمله سمرقند، بخارا و خوارزم را تاراج می‌کردند. دلیل دیگر این بود که در همین زمان قریب به هفت سال در ماوراءالنهر گرسنگی آمد و در بخارا و سمرقند آدم یافت نمی‌شد. در همین وقت نادرشاه افشار به ماوراءالنهر حمله کرد و این منطقه را مسخر کرد بنابراین ماوراءالنهر جایگاه پیشین خود را از دست داد و تا میانهٔ سدهٔ

نوزدهم این وضعیت ادامه داشت و اهل ادب و فرهنگ بیرون از دربار و در نواحی دوردست زندگی می‌کردند و تقریباً ۱۵۰ ادیب که دارای دیوان و کلیات اشعار بودند، پراکنده شدند. ما آمدم و دیوان‌های این شاعران را جمع‌آوری کردیم و در همین پژوهشگاه خاورشناسی بر روی این نسخ خطی کار کردیم. در میان این نسخ خطی، دیوان‌هایی بود که چون شاعر تخلص سابق خود را در آن به کار نبرده بود، سرایندهٔ آن مشخص نبود؛ اما ما بنا به دلایلی از جمله اشارات شاعر در دیوان، می‌دانستیم که این دیوان متعلق به فلان شاعر است؛ لذا از میان این شاعران تقریباً دیوان ۸۰ تن را شناسایی و تصحیح کردیم.

من چندین کتاب نیز تألیف کرده‌ام. اولین کتاب خود را در سال ۱۹۷۲ تألیف کردم. در سال ۱۹۷۴ نیز کتاب دیگری را با عنوان ادبیات تاجیک در نیمهٔ دوم قرن هجده و اول قرن نوزده تألیف نمودم. در سال ۱۹۷۹ نیز قسم دیگری این کتاب را تألیف کردم. کتاب دیگری را نیز در سال ۱۹۷۸ تألیف کردم که دربارهٔ نازل



## بنده درباره ترجمه‌های مجالس‌النفایس، تذکره خواجه حسن نثاری، تذکره مطربی سمرقندی نسخه جهانگیر، تذکره موسیقی درویش‌علی صحبت نمودم و همچنین درباره شماری از کتاب‌های تاریخی از جمله احوال و آثار ادیبان قرن ۱۶ م. که از سال ۱۵۰۱ تا ۱۶۰۵ م. نوشته شده است و ماوراءالنهر و خراسان را دربار می‌گیرد، مباحثی را مطرح کردم.

باید به گونه‌ای باشد که ما از نقاط قوت و ضعف یکدیگر آگاه شویم.  
در کارگاه آموزشی فهرست‌نویسی نسخ خطی که در پانزدهم  
مرداد ۱۳۸۷ در کتابخانه ملی برگزار گردید، شما درباره چه موضوعی  
صحبت کردید؟

**کریم‌اف:** صحبت بنده در این جلسه، درباره تذکره‌های  
سده شانزدهم میلادی بود. در این جلسه بنده درباره ترجمه‌های  
مجالس‌النفایس، تذکره خواجه حسن نثاری، تذکره مطربی سمرقندی  
نسخه جهانگیر، تذکره موسیقی درویش‌علی صحبت نمودم و همچنین  
درباره شماری از کتاب‌های تاریخی از جمله احوال و آثار ادیبان قرن ۱۶  
م. که از سال ۱۵۰۱ تا ۱۶۰۵ م. نوشته شده است و ماوراءالنهر و خراسان  
را دربر می‌گیرد، مباحثی را مطرح کردم و سرچشمه‌ها و مأخذهایی که در  
همین دوره تألیف شده است، معرفی نمودم. همچنین بنده کتابی در زمینه  
ادبیات فارسی تاجیکی درباره دستنویس‌ها تألیف کرده‌ام که دوست‌عزیزم  
آقای مرتضی رزم‌آرا آن را از روسی به فارسی ترجمه کردند که متأسفانه  
با وجود اینکه توسط رایزن فرهنگی ایران به میراث فرهنگی فرستاده شد،  
تا به امروز چاپ نشده است.

**آقای کریم‌اف، آیا شما از تعداد نسخه‌های خطی فارسی که در  
مراکز نسخ خطی تاجیکستان نگهداری می‌شود، مطلع هستید؟**  
**کریم‌اف:** بزرگ‌ترین مرکزی که نسخه‌های خطی فارسی در آنجا  
نگهداری می‌شود انستیتو شرق‌شناسی است، همچنین در کتابخانه ملی  
نیز شماری از این نسخه‌های خطی نگهداری می‌شود که بنده از تعداد این  
نسخه‌ها اطلاع دقیقی ندارم.

به عقیده من باید فرصتی فراهم آید تا کتاب‌هایی که در تاجیکستان، در  
حوزه ادبیات فارسی چاپ می‌شود، معرفی گردد. بزرگ‌ترین دلیلی که سبب  
می‌شود بانک اطلاعاتی ما درباره آثاری که در تاجیکستان چاپ می‌شود،  
کامل و دقیق نباشد عدم نقد و بررسی آثار منتشر شده در آنجاست. متأسفانه  
در ایران نقد و بررسی کتاب منحصر به آثاری است که در ایران نوشته و یا  
چاپ می‌شود؛ لذا این محدودیت‌ها باید از بین برود.

**آقای کریم‌اف، آیا در تاجیکستان، کتابخانه‌هایی که نسخه‌های  
خطی در آنها نگهداری می‌شود، از فناوری‌های روز برخوردار هستند؟**  
مقصود من از فناوری روز، وارد کردن فهرست کتاب‌ها به رایانه، ایجاد  
پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی، وارد کردن تصویر صفحات نسخه‌ها  
به رایانه و مسائلی از این قبیل است. آیا کتابخانه‌های تاجیکستان به  
این فناوری‌ها مجهز هستند؟

**کریم‌اف:** کتابخانه‌های تاجیکستان به طور کامل به این فناوری‌ها  
مجهز نیستند؛ اما به تدریج این کار انجام می‌گیرد.  
از این که در این گفت‌وگو شرکت کردید، از شما سپاسگزاریم.

خجندی بود. در سال ۱۹۸۵ نیز درباره ادبیات فارسی تاجیکی در ماوراءالنهر  
و خراسان کتابی به رشته تحریر درآوردم که این کتاب نیز چاپ شد اما  
به دلیل اینکه کاری جدی بود، قریب به سه سال در سن پترزبورگ بر  
روی این کتاب کار کردم و مجدداً آن را به زبان روسی تألیف کردم که  
در سال ۲۰۰۰ م. چاپ شد و یک سال و نیم پس از تألیف کتاب، آقای  
مرتضی رزم‌آرا آن را به فارسی ترجمه کرد که هم‌اکنون در دست چاپ  
است. همچنین جنگ‌هایی در تاجیکستان صورت گرفت که سبب نابسامانی  
وضعیت فرهنگستان و پژوهشگاه‌ها گردید. اهل علم معاش خوبی نداشتند  
و در همان زمان از من خواستند به دانشگاه تجارت تاجیکستان بروم و در  
بخش زبان و ادبیات مشغول به کار شوم؛ لذا از همان دوره بنده در این  
قسمت مشغول به کار شدم و با فرهنگستان علوم تاجیکستان، پژوهشگاه  
خاورشناسی و انستیتوی زبان و ادبیات در ارتباط هستم و اخیراً درباره ادبیات  
دوره قاجار یعنی سبک دوره بازگشت ادبی تحقیق کرده‌ام و به مقایسه آن  
با ادبیات ماوراءالنهر پرداخته‌ام.

**در طول دوران تحقیق بر روی نسخ خطی با کدام یک از استادان  
معروف در ارتباط بوده‌اید؟**

**کریم‌اف:** در پژوهشگاه خاورشناسی من با رئیس پژوهشگاه، آقای  
عبدالغنی میرزایف در زمینه نسخ خطی در ارتباط بودم. همچنین در دانشگاه  
با یکی از استادان خود به نام شریف‌جان حسین‌زاده به فعالیت در زمینه نسخ  
خطی پرداختم. از افراد دیگری که در زمینه نسخ خطی با آنها ارتباط داشته‌ام،  
آقای خالق میرزایف و رسول حاجی‌زاده بود. در دورانی هم که در روسیه  
در انستیتو خاورشناسی برای دریافت مدرک دکتری مشغول به تحصیل  
بودم آقای میخائیل زند که از ادبیات‌شناسان بزرگ انستیتو خاورشناسی  
روسیه است همکاری می‌کردم. پس از آن در انستیتو خاورشناسی به فعالیت  
پرداختم. مدتی نیز در سن پترزبورگ بودم و بزرگ‌ترین استاد من در آنجا  
آقای الکساندر بالدیروف بود. الک اکوی موشکی و خانم وارژیکینا نیز از دیگر  
استادان من بودند که من و خانم وارژیکینا با همکاری یکدیگر درباره مکتب  
ادبی اصفهان تا حمله مغول کتابی تألیف نمودیم. بنده پس از دریافت مدرک  
فوق دکتری خود شاگردان زیادی تربیت نمودم که تعدادی از آنها هم‌اکنون  
ساکن ایران هستند. مدتی در دانشگاه تجارت تاجیکستان به تدریس پرداختم  
و هم‌اکنون نیز در همین دانشگاه مشغول به کار هستم. اما کار اصلی من کار  
بر روی نسخ خطی است.

**آقای کریم‌اف، آیا هم‌اکنون بین مراکز تحقیقاتی تاجیکستان که  
دارای نسخه‌های خطی هستند و مراکز علمی ایران که بر روی نسخ  
خطی تحقیق می‌کنند، ارتباطی وجود دارد یا خیر؟**

**کریم‌اف:** تا آنجا که بنده اطلاع دارم، در بیست سال اخیر ارتباطات  
اندرکی برقرار شده است و منطقاً این ارتباط باید تقویت شود. این ارتباطات